

جام جم

گزارش «جام جم» از تکیه کلام های معروف سریال های تلویزیونی

کلام هایی که ماندگار شدند

صفحه ۸

صدای زن ایرانی

بدون تحریف

۱۱

گفت وگوی «جام جم» با عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس

رسانه ملی مقابل جنگ شناختی ایستاده است

۷

سوژه نخ‌نمایی به نام

تحریم جشنواره فیلم فجر

۱۰

مدیران دوبلاژ خاطراتی از زنده‌یاد شهروز ملک‌آرایی را روایت کردند

خدا حافظی با صدای کاپیتان لینچ



رسانه

۶

نگاهی به جشنواره‌های فجر در دهه ۷۰ با تفکر سازندگی و اصلاحات

سینما زیر تیغ جریان نفوذ

سینما

۱۲

گزارش

سالروز شهدای نوجوانی که به دست صدام و حامیان جهانی اش کشته شدند

جهاد تبیین از بین برنده جنگ گفتمانی

نخستین روز از بهمن هر سال برای جمعی از پدر و مادرها و برخی خانواده‌ها یادآور خاطره‌ای تلخ اما غرورانگیز است. سالروز شهادت دانش‌آموزان مدرسه راهنمایی قطب راوندی و معلم شهید حمید صادقی که تا روز دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای قم با رهبر معظم انقلاب مظلله‌عالی خیلی از مردم قم نیز از وقوع چنین حادثه‌ای مطلع نبودند، تا آنجا که با ترافط و دقت نظر همیشگی معظم له به اعضای ستاد کنگره ملی ۶۰۹۰ شهید استان قم با تأکید بر بیان مطالب با زبان هنر فرمودند: «بروید دنبال این کار، یا شهدای گروه سرود که جزو اتفاقات نادر در دوران دفاع مقدس است؛ (۴) یک تعدادی نوجوان مثلاً دوازده ساله، سیزده ساله، چهارده ساله، سرود می‌خوانند، بعد هواپیمای می‌آید همین گروه را هدف قرار می‌دهد، شلیک می‌کند، همه آنها، همه یا نزدیک به همه، شهید می‌شوند. کو سرودشان؟ چه خواندند؟ چه گفتند؟ چه کردند؟ پدرمادرهای شان چه کار کردند؟ اینها احتیاج به تبیین دارد، اینها پیام دارد. این از خصوصیات قم است؛ اینها



مهدی توکلبان
فعال فرهنگی

نقاط برجسته دوره دفاع [مقدس] در قم است.

اما نکته مهم

نخست: کمبود فعالیت فرهنگی ایجابی در معرفی گنجینه‌های هویت ملی و محلی ایران اسلامی شاید یکی از مهم‌ترین ضعف‌های برقراری ارتباط بین نسلی به حساب بیاید. عدم بیان دقیق و تبیین و روشنگری اتفاقات و رویدادهایی مؤثر در تاریخ این سرزمین باعث می‌شود شهروندان در حوزه شهری و مردم ایران اسلامی در جامعه بزرگ ملی به داشته‌ها و سرمایه‌های خود افتخار نکنند و با همین رویکرد نسل امروز در مقایسه با نسل قبل از خود احساس غریبگی دارد.

دوم: سرمایه انسانی و تفکر و اندیشه جوان و پویای جامعه بر اساس پیشرفت‌های قابل توجه در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری بر مبنای رسانه‌های نوظهور و نوین نویدبخش پرونده‌هایی گراندیشانه و هنرمندانه در عرصه روایتگری رویدادهای جمعی ایران اسلامی است

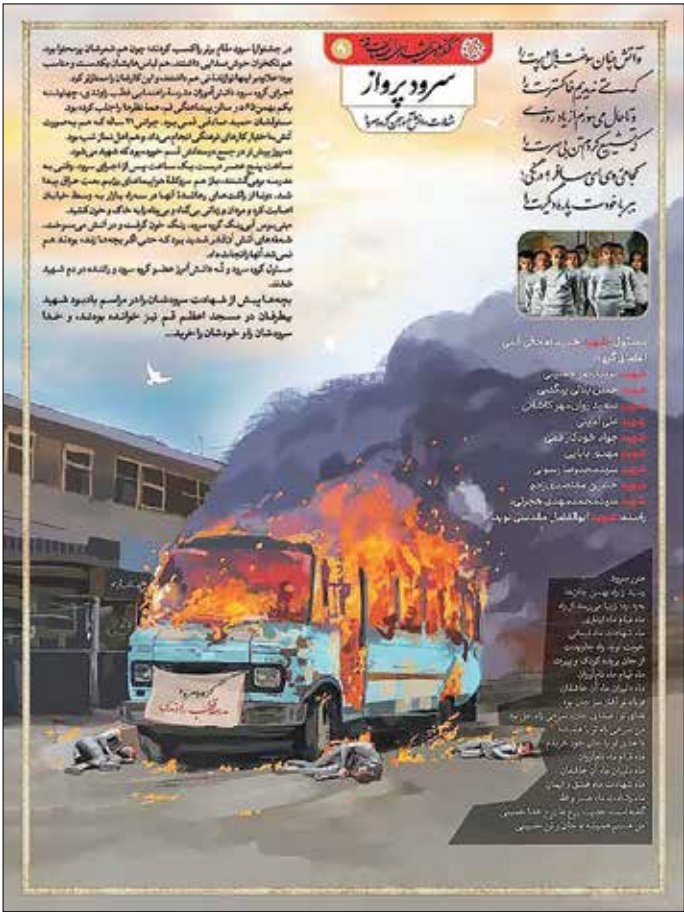
و به طور حتم جهاد تبیین از بین برنده جنگ گفتمانی خواهد شد، به شرط آن‌که صداقت و صراحت در بیان حقایق و احترام به مخاطب فراموش نشود و در بیان واقعیت‌ها کم‌کاری انجام نپذیرد.

سوم: به منظور احیا و معرفی و تبیین واقع‌گرایانه از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس نباید تغییرات و حتی تهجیز و بازسازی‌های فیزیکی باعث از بین رفتن یادمان‌ها و مکان‌های یادبود همان خاطرات شود، درست مانند مدرسه راهنمایی قطب راوندی قم که در بازسازی و رانندازی مجتمع آموزشی کودکان استثنایی ایمان که از جمله خدمات خاص و مفید مردم است هیچ نام و عنوان و یادمانی از محل اعزام دانش‌آموزان و مربی شهید گروه سرود به یادگار نگذاشته‌اند.

و بی‌سلیقه‌ی بی‌تدبیری باعث می‌شود مرکز

توان بخشی مخصوص دانش‌آموزان استثنایی با زیربنای بالغ بر ۳۷۰۰ مترمربع در همان مدرسه نتواند معرفی‌کننده خاطره نخستین روز از بهمن سال ۶۵ شود.

نکته پایانی: جنگ یک گنج است به شرط آن‌که این گنج بتواند برای نسل‌ها باقی بماند و هنر گویندگان و رسانی‌ترین رسانه و ابزار حفظ و نگهداری و انتقال مفاهیم بلند ارزشمند حوزه دفاع مقدس و بیان‌کننده رشادت و شهامت‌های شهیدان ایران اسلامی است به شرط آن‌که زنده نگه داشتن یاد و نام شهیدان در اولویت فعالیت‌های فرهنگی عصر حاضر در برابر سپهر رسانه‌ای معاندان و دشمنان قرار گیرد، چرا که باور و اعتقاد ما این است که «معارف ملی؛ شهید و شهادت از جمله چیزهایی است که هویت ملی را برجسته می‌کند و رتبه هویت ملی را بالا می‌برد.» ایجاد انگیزه و احساس تعلق به هویت



برای مردم و شهروندان حائز اهمیت و احترام شوند، شهیدان و یادگاران هشت سال دفاع مقدس و انقلاب اسلامی ایران نیز برای همیشه در دل‌ها و یاها جاویدان و زنده خواهند ماند و هیچ سلبی‌تی نو کیسه و نو رسیدن‌های در دل نسل جوان جایگاهی نخواهد داشت.

ملی در گرو ایجاد تعلق به شهر، محله، فرهنگ، آیین، سنت و شخصیت‌های علمی، فرهنگی، آموزشی و پیشکسوتان عرصه‌های مختلف اجتماعی، محلی و منطقه‌ای به وجود می‌آید و زمانی که چهره‌ها، شخصیت‌های اصیل، معروف و شناخته‌شده با هویت ایرانی - اسلامی

محمد مهدی هجرتی، سعید روانپهر کاشانی، سیدناصر حسینی، محمدرضا رسولی، جواد خودکار قمی، عسکری، محمدعلی امینی، حسین مقتصدی زاده و مهدی بابایی همراه مربی شهیدشان حمید صادقی قمی و راننده مینی‌بوس، به سختی قابل شناسایی بود تا این‌که سه روز بعد یعنی جمعه سوم بهمن، از حرم مطهر حضرت معصومه (س) تا گلزار شهدا تشییع و در قطعه شهدای بمباران هوایی قم خاکسپاری شدند. مراسم هفتم شهدای گروه سرود با نمایش فیلم آخرین اجرای آنها همراه بود و کینه دانش‌آموزان را نسبت به جنایات دشمن یعنی در حمله به مردم بی‌گناه، عمیق‌تر کرد.

فیلم مستند «قم، بهمن ۶۵» به کارگردانی سید جواد حسینی و بر اساس روایت یکی از اعضای جامانده گروه سرود و خانواده‌های شهدا و مسئولان مدرسه از بمباران هوایی و نیز نرم افزار «سرود آسمانی» دواثر هنری است که در این مورد تولید شده و نمایش اجرای آخرین سرود دانش‌آموزان، یادآور حماسه مدرسه عشق و انعکاسی از حماسه خونین عاشورا است.



رفته بودند تا سرودی را برای اجداد رده فجر آماده کنند، پس از بازگشت از محل اجرای سرود، در محل سه راه بازار قم هدف حمله هوایی میگ‌های دشمن قرار گرفته و نام‌شان در زمره یکصد شهید بمباران هوایی آن روز شهر قم جاودانه شد. بر اساس روایت هادی دهقانی عضو جامانده گروه سرود، شهید بلالی «تکخوان» و محمدرضا رسولی «نی زن» سرود بود، و شور و شغف خاصی در تمرین و اجرای سرود بین بچه‌ها حاکم بود.

پس از بمباران، بیکر مطهر شهدای دانش‌آموز محمدحسن بلالی بیدگلی،

سرودی که جاودانه شد

امروز سالروز شهادت اعضای گروه سرود مدرسه راهنمایی علامه قطب راوندی قم به همراه مربی‌شان در بمباران هواپیمای دشمن یعنی در اول بهمن سال ۶۵ است. همه ۹ عضو این گروه سرود ساعتی پس از اجرای سرودشان، بر اثر بمباران هواپیمای دشمن به شهادت رسیدند.

دی ماه ۶۵ یادآور عملیات پیروزمندان کربلای ۵ و فتوحات عظیم رزمندگان اسلام در این عملیات بود، دشمن یعنی که نتوانسته بود در برابر حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان اسلام تاب و توان بیآورد، تلاش کرد با حمله به شهرها و مناطق مسکونی، روحیه پایداری مردم مقاوم ایران اسلامی را به زعم باطل خود تضعیف کند.

ساعت ۱۶ روز چهارشنبه اول بهمن ۶۵، هنگامی که دانش‌آموزان گروه سرود مدرسه راهنمایی قطب راوندی، با یک دستگاه مینی‌بوس به سینما تربیت

کمک به هنرمند برای خلق اثر هنری



رسول نجفیان
نوازگر

در سال‌های اخیر سعی کرده‌ام در کنار بازیگری، کار اجرا را هم در رادیو و هم در تلویزیون دنبال کنم و در اجرا هم سعی کردم به نوعی پل بزنم میان ادبیات ایران و مخاطب و کاری کنم که مخاطبان کمی بیشتر با ادبیات ایرانی آشنا شوند. وقتی به عنوان کارشناس یک برنامه یا مجری به طور مستقیم با مخاطب ارتباط می‌گیرید مسلماً راحت‌تر می‌توانید خواسته‌های آنها را درک کنید و به نظم مخاطبان ما خیلی دلشان می‌خواهد برنامه‌های سرگرم‌کننده درباره ادبیات و تاریخ را شاهد باشند.

البته یکی از بهترین روش‌ها برای سرگرم کردن، تولید سریال‌های جذاب است؛ ولی گاهی در برنامه‌های گفت‌وگومحور هم می‌توان به مخاطب، اطلاعات لازم را داد و او را سرگرم کرد منوط به این‌که خود را بالاتر از مخاطب نبینیم.

برای من بازیگری همانقدر لذت دارد که اجرا، و هیچ‌کدام را به چشم یک کار روتین کارمندی نمی‌بینم و با این‌که مشکلات اقتصادی وجود دارد اما سعی می‌کنم خدا را شاکر باشم و سخت‌گیرم تا راحت بگذرد. به هر حال مشکلات اقتصادی بیش‌روی همه مردم و از جمله هنرمندان وجود دارد.

یکی از کمک‌هایی که می‌توانند در جهت حل مشکلات اقتصادی به هنرمندان

بکنند این است که امکانات و ابزار کار را به رایگان در اختیارشان قرار دهند. لازم نیست به هنرمند مستقیم بودجه داده شود که اگر هم داده شود، بد نیست. لازم است به هنرمند ابزاری دهند که خودش به سمت خلقی برود که درآمدزا باشد.



الان خیلی از گروه‌های نمایشی را داریم که می‌شود آنها را زیر پر بال گرفت و برای ضبط تله‌تئاترهای خوب از آنها استفاده کرد و در عین حال بسیاری از آموزشین‌های جوان را داریم که می‌شود با حداقل بودجه، آنها را برای تولید قطعه یا اجرای مجدد قطعات ماندگار موسیقی برای تلویزیون به کار گرفت.

سعی کنیم نگاه پدران به هنرمندان جوان‌تر داشته باشیم و کمکشان کنیم که تجربه‌های درست کنند و البته بتوانند به واسطه هنرشان درآمد داشته باشند. تلویزیون در این زمینه می‌تواند خیلی کمک حال جوانان با استعداد باشد. هر قدر بیشتر ارتباط ایجاد کنیم میان هنرمندان واقعی و تلویزیون و رادیو، در آن صورت مخاطب هم بیشتر به این رسانه‌ها نزدیک می‌شود و سعی می‌کند آرای خود را نیز بی‌واسطه با این رسانه‌ها در میان گذارد.